

ضرورت آموزش معلمان در دوران جدید

در گفتوگو با محمدرضا دهقانی، مدیر فناوری اطلاعات مجتمع آموزشی مفید عنوان شد

محمدرضا دهقانی، معاون مقطع متوسطه دوم و مدیر فناوری اطلاعات مجتمع آموزشی مفید است. او معتقد است که در دوران پسا کرونا، تجربه‌های آموزشی کرونا باقی خواهد ماند و به شکل جدی‌تر نیز دنبال خواهد شد. دهقانی در مجموع آموزش دوران کرونا و پس از آن را آموزشی موثرتر، راحت‌تر و با سهولت بیشتر و همچنین تخصصی‌تر ارزیابی می‌کند.



شیوع کرونا چه تاثیری بر روند آموزش داشت؟

کرونا و اتفاقاتی که در این روزها با آن روبه‌رو بودیم، تغییراتی در همه زمینه‌ها ایجاد کرد. یکی از تغییراتی که شاهدش بودیم، در آموزش و پرورش اتفاق افتاد و دگرگونی‌هایی را ایجاد کرد. با این تغییرات، البته شاید بتوانیم فرصت‌هایی را هم در این راستا ارزیابی کنیم. الگوی آموزش و پرورش شیوه قدیم که سنتی هم بود، دگرگون شد و همه روش‌های نوین آموزشی تغییر کرد. از این شیوه با عنوان آموزش حضوری یاد می‌کردند. در واقع کرونا این فرصت را به ما داد تا آموزش هم وارد شاخه‌ها، حوزه‌ها و حاشیه‌های دیگری شود.

خوشبختانه به‌طور مشخص امکانات دیجیتالی و آموزش غیرحضوری و مجازی کمک کرد تا ابزارها، امکانات و شیوه‌های مختلف که در آن فضای گذشته قابل استفاده نبود، وارد حیطه آموزش شود.

کدام يك از این دو شیوه (آموزش حضوری و غیرحضوری) را امروز ارجح می‌دانید؟

البته آموزش حضوری و غیرحضوری هر يك به تنهایی دارای مزایایی هستند، اما در عین حال قطعاً هر دو شیوه هم ایرادهایی داشته و دارند. این درحالی است که به نظر می‌رسد ترکیب این دو آموزش می‌تواند دوران جدیدی در آموزش و پرورش به وجود آورد. در واقع تلفیق این دو روش به عنوان آموزش ترکیبی، شاید بتواند ایرادهای یکدیگر را رفع کند. یکی از مباحث آموزش ترکیبی که در این رهگذار پررنگ شد، تغییر الگوی آموزش جمعی به آموزش فردی است. همچنین استفاده از شیوه‌های متفاوت برای اینکه دانش‌آموزان با توجه به ویژگی‌های یادگیری و وضعیت موجود، در زمان‌های مختلف با مقاصد مختلف این آموزش را فرا بگیرند، مهیا شد. به گمانم شخصی‌سازی و یادگیری فردی، فرصتی است که در این برهه از زمان ایجاد شده است و ما از آن ناگزیریم.

چه چالش‌های عمده‌ای را در این بین ارزیابی می‌کنید؟

یکی از چالش‌های بزرگ این است که این دو نوع آموزش را به چه شکل می‌توان با یکدیگر ترکیب کرد. به نظرم نوع ترکیب این دو روش، چالش عمده‌ای است که باید به آن پاسخ داد. یکی از چالش‌هایی که با آن روبه‌رویم این است که چه درس‌هایی را نمی‌توانیم غیرحضوری برگزار کنیم و حتماً باید حضوری برگزار شود و بالطبع ببینیم چه درس‌هایی را می‌توانیم در فضای مجازی آموزش دهیم. اینها همگی پرسش‌هایی است که دست‌اندرکاران آموزش و مدارس روی آنها تمرکز دارند و می‌اندیشند و البته پاسخ‌های متعددی هم دارد. فکر می‌کنم امروزه در دنیا هم موضوع آموزش مجازی، بحث مهمی تلقی شود. حتی شنیده‌ام بعضی از کشورها هنوز مسوولیت آموزش غیرحضوری را نپذیرفته‌اند و همچنان روی آموزش حضوری تأکید دارند. به گمانم ترکیب این دو آموزش فرصت‌درخشانی را فراهم می‌کند. البته در حوزه آموزش غیرحضوری دو بحث وجود دارد؛ نخست بحث آموزش آنلاین و دوم آموزش آفلاین. شاید ساده‌ترین کاری که می‌شود انجام داد، این است که ما نحوه آموزش حضوری را که در گذشته انجام می‌شد، به فضای دیجیتال و آنلاین انتقال دهیم و کلاسها را در همان بسترهایی که وجود داشت، ادامه دهیم. به نظرم این ساده‌ترین پاسخی است که می‌شود به آموزش‌های

ترکیبی داد.

آموزش آنلاین چه سختی‌ها و مشکلاتی دارد؟

آموزش آنلاین به مراتب سخت‌تر و غیرواقعی‌تر از آموزش حضوری است. در آموزش حضوری ارتباط فیزیکی و ارتباط چهره به چهره که معلم با شاگردانش دارد، در یادگیری تاثیر دارد. اما این نوع آموزش در فضای آنلاین شکل نمی‌گیرد. ضمن اینکه در این رهگذار، ممکن است دانش‌آموزان راحت‌تر هم حواسشان پرت شود. اگر در آموزش غیرحضوری، از آموزش، ابزارها، روش‌های و امکاناتی که در متن این فضا به وفور وجود دارد، استفاده شود، آن وقت این نوع آموزش مهم‌تر می‌شود و معنا می‌یابد. در این شیوه، به‌طور مثال می‌شود از بازی‌های مختلف در آموزش استفاده کرد. ما در مدرسه امکانات این را نداشته‌ایم که بیشتر مواقع از آزمایشگاه‌ها استفاده کنیم و این عمل محدود بود. اما در فضای جدید بسترهای آزمایشگاه‌های مجازی وجود دارد.

وضع آموزش ترکیبی در نقاط دوردست کشور به چه شکل دنبال می‌شود؟

در مکان‌های دوردست به شکل غیرفیزیکی هم می‌توانیم حضور داشته باشیم. ما به سادگی می‌توانیم دانش‌آموزان را در اتاقی داشته باشیم و از خانه آنها را به کشورهای مختلفی ببریم که بتوانند از موزه‌ها بازدید کنند. با امکانات VR (شبیه‌سازی محیط آموزشی) وارد حوزه‌های مختلف شوند که تا میزان قابل توجهی، غیرقابل تصور است. فرض کنید دانش‌آموزی در زمینه درس زیست‌شناسی می‌تواند بدن انسان را ببیند؛ قلب و تمام کارکردهایش را از نزدیک درک کند و همه اتفاقاتی را که داخل بدن می‌افتد، با چشم سر ببیند. این حرکت در فضای آنلاین قابل انجام است. در واقع این فرصت شگفت‌انگیز و عجیبی است که به نظرم تاثیر بسزایی در آموزش بچه‌ها دارد.

مسئولیت یادگیری، اینجا چقدر نقش خود را به درستی یا با مشکلات مختلف ایفا می‌کند؟

یکی از نکات خیلی مهمی که در این حوزه آموزش به چشم می‌خورد، مسئولیت یادگیری است و به گمانم چالش بزرگی به شمار می‌رود. امکان کنترل فضای آموزشی که در گذشته وجود داشت، مانند ارتباط و پیگیری بین معلم و دانش‌آموز، به شکل فیزیکی وجود ندارد. در خلال این تجربه جدید، این پیگیری دیگر به شکل سابق دیده نمی‌شود. بنابراین مهم است که در این راستا، بچه‌ها و پس از آن اولیا به این موضوع مهم توجه کنند.

چقدر می‌توان دانش‌آموز را ترغیب کرد تا مسئولیت یادگیری را

برعهده بگیرد و اهداف دست‌یافتنی شود؟

در وهله اول، دانش‌آموز مسوول است که مطمئن شود درس را یاد گرفته و به اهدافش رسیده است. در واقع خود دانش‌آموز باید ثابت کند چقدر پیگیر است و دغدغه دارد. او باید بداند که چگونه از این ابزارها و شیوه‌های مختلف کمک بگیرد تا به اهداف آموزشی‌اش دست یابد. اولیا هم به همین شکل باید نظارت‌های متفاوتی داشته باشند. دیگر چنین نیست که اولیا با مسوولان آموزشی گفت‌وگو کنند و مثلا در يك جلسه از وضع درسي بچه‌شان باخبر شوند. از دیگر سو، البته شاید این امکان در حال حاضر برقرار نباشد، اما در فضاهای مجازی هم بسترهایی وجود دارد که با دسترسی و نگاه کردن سریع به نظام اطلاعات آموزشی، صدر و ذیل فعالیت‌های دانش‌آموز را در اختیارشان می‌گذارد و آنها می‌توانند به نحو احسن در جریان فعالیت‌های دانش‌آموز قرار بگیرند. اینکه آیا تکالیفشان را به درستی انجام داده‌اند یا خیر و... خوشبختانه همه این موضوعات قابل دسترس است.

این ارتباط دوسویه و چندسویه می‌تواند به آفتی هم در زمینه آموزش تبدیل شود؟

بله! اتفاقا این اطلاعات انبوه می‌تواند يك تهدید هم به حساب آید. فرض کنید ولي دانش‌آموز از يك تمرین نوشتن فرزندش مطلع است، اما بالطبع به مراتب پیگیری‌هایش جزئی‌نگرانه‌تر است.

راه چاره در این بین چیست؟

باید بتوانیم کنترل جامع و کلی داشته باشیم. البته اطلاعات می‌تواند به ما کمک کند که مسیر به چه شکلی دنبال شود. فضای دیجیتال و فضای آموزش ترکیبی به نظرم فضای کاملا متفاوتی است و لاجرم باید ساختارها در این شیوه تغییر کند. موضوع آموزش ترکیبی، زنجیره‌ای جدید و سبک و جهان دیگری است. در واقع بیشتر حرفه‌هایی که در آموزش قدیم گفته می‌شد در حال حاضر باید به شیوه دیگری بیان شود.

اهداف هم در این بین تغییر می‌کنند؟ هدف غایی آموزش که قابل

تغییر نیست!

البته که اهداف عوض نمی‌شوند. اهداف ما در یادگیری و تربیت تغییر نخواهد کرد. اما به گمانم اگر هم با سهل‌انگاری بیندیشیم که همه اهداف با همان شیوه‌های گذشته قابل دستیابی است، به خطا و اشتباه رفته‌ایم و نتیجه نهایی احصا نخواهد شد. باید روش‌ها و شیوه‌ها تغییر کند و متناسب با اتفاقات جدید پیش برویم. در این زمینه هم باید وقت برای یادگیری و آموزش مدرن ترکیبی صرف کرد. شاید نکاتی

به میان بیاید و مطرح شود که دغدغه‌های گذشتگان نبوده اما در حال حاضر به آن نیاز داریم و برایش هم عجلتا پاسخ مشخصی نداریم. مثلاً مسائل پداگوژی (هنر و علم وجودی یک معلم) به واقع امروزه یک دغدغه محسوب می‌شود که در حال حاضر جزو اهم موضوع آموزش است. ما در گذشته در مدرسه‌ها امکان این را داشتیم که بچه‌ها را به اردو ببریم. بسیاری از اهداف یادگیری در این اردو شکل می‌گرفت و به نتیجه می‌رسید. اگر فضا، کاملاً غیرحضوری باشد، پس نمی‌توان انتظار رفتن به اردو را داشت. بدین شکل هم نیست که ما بخواهیم اهداف اصلی‌مان را فراموش کنیم و به ضرس قاطع عنوان کنیم که متأسفانه هیچ برنامه‌ای هم برای پر کردن چنین خلأهایی نداریم. باید اندیشید که با شیوه‌های مختلف و ابزارهای جدیدی که در دسترس داریم، بتوانیم به اهدافمان برسیم.

چقدر در راه رسیدن به این اهداف با توجه به وضعیت جدید امیدوارید؟

اطمینان دارم که همه اهداف با سبک جدید که با این نسل هم سازگاری دارد، قابل دستیابی است. اما باید محیط آموزش جدید را به درستی درک کرد و جوانب آن را سنجید و همه جوانب را کنار هم در نظر آورد.

به نظرتان این شیوه در پسا کرونا چگونه دنبال خواهد شد؟

انشاءالله به زودی شیوع کرونا فروکش کند، اما بعید می‌دانم که به دوران پیش از کرونا بازگردیم. اگر بخواهیم به دوران گذشته بازگردیم، به گمانم در این عرصه شکست می‌خوریم. باید از همین امروز بپذیریم که پسا کرونا، دوران کاملاً جدیدی است. آموزش باید کاملاً متفاوت باشد و این اتفاقها را نمی‌شود به یکباره حذف کرد. اکنون و پس از این دوره، شاید دیگر دانش‌آموزان به راحتی نپذیرند که به آنها بگوییم زمانی که درس داده شد، اگر شما سر کلاس نبودید، آن مبحث درسی را به‌طور کامل از دست داده‌اید. در دوران جدید بچه‌ها یاد گرفته‌اند که می‌شود به منابع مختلف دسترسی داشت و معلم می‌تواند محتواهایی تولید کند و در اختیارشان بگذارد که در هر لحظه و هر زمان و هر مکانی که دانش‌آموز حضور داشت، به آنها دسترسی داشته باشد. اگر مبحثی را یکبار دیدند و آن را فرا نگرفتند، به سادگی می‌توانند با شیوه‌ها و ابزارهای مختلف جدید، آن را برای خود تکرار کنند. فکر می‌کنم امروز دیگر بازگشت به آموزش سنتی و گذشته را دانش‌آموز با سادگی از ما نمی‌پذیرد.

اگر دست‌اندرکاران مدرسه‌ای در این اوضاع، خود را با موقعیت

جدید تطبیق ندهند چه؟

اگر دست‌اندرکاران مدرسه‌ای خودشان را با وضعیت جدید تطبیق ندهند، به گمانم به مرور زمان از گردونه آموزش حذف خواهند شد و دیگر مشتری آموزشی هم نخواهند داشت. در این حوزه و برهه، باید مدارس در این تغییر و دگرگونی پیشرو و فعال و ساعی باشند و خودشان را برای دوران جدید در زمینه‌های مختلف کاملاً مجهز و آماده کنند. مثلاً برای تامین منابع انسانی باید به هر حال معلمي وجود داشته باشد که ابزارها، شیوه‌ها و اپلیکیشن‌های جدید را به خوبی بشناسد و اتفاقات روز دنیا را درک کند و در آموزش، به همه این شیوه‌ها آشنا باشد. حتی باید بداند که چگونه می‌تواند آن روش‌ها را یاد بگیرد. به گمانم معلمان باید لاجرم مهارت‌های دنیای دیجیتال را درک کنند. جست‌وجو به نظر کار ساده‌ای است که ما در گوگل می‌توانیم آن را انجام دهیم، اما جست‌وجو با اشراف و آگاهی کامل با این موضوع یکسره متفاوت است. جست‌وجو با آگاهی می‌تواند اطلاعات دقیق‌تری را به شما بدهد. بنابراین معلمان و کسانی که با بچه‌ها سر و کار دارند باید خودشان را به این نوع سواد مجهز کنند و اگر این سواد در میان نباشد، شاید بتوان گفت که صلاحیت معلمي در این دوران تغییرات، کاملاً پرسش‌برانگیز به نظر می‌رسد. علاوه بر آن مهارت تدریس و مهارت‌های دانش‌افزایی معلم هم باید در حوزه تدریس به درستی جریان داشته باشد. سواد دیجیتال و نحوه استفاده صحیح از ابزارها به نظرم ضروری است و با فقدان این مهم از سوی معلم، عقب خواهیم ماند. در کنار همه اینها باید بدانیم چگونه می‌توانیم محتوای تعاملی و الکترونیکی تولید کنیم و در اختیار بچه‌ها بگذاریم که به یادگیری آنها کمک کند. زمانی برای تولید محتوا باید ویدیویی ساخت و در اختیار بچه‌ها گذاشت، اما اینکه ما بدانیم دیدن این ویدیو می‌تواند در جهت رسیدن به اهداف و یادگیری‌شان حرکت رو به جلو داشته باشد و چقدر دانش‌آموز با آن درگیر می‌شود یا اصطلاحاً با آن ویدیو فعالیت، رابطه و تعامل دوسویه برقرار می‌کند، به خودی خود مهارتی است که باید طی آموزش آن را فرا گرفت. با چنین چاره‌اندیشی‌هایی قطعاً در این دوره و دوره‌های بعد، آموزشی غنی خواهیم داشت. در کنار آموزش حضوری و غیرحضوری، در آینده‌ای نزدیک باید شناخت کامل از هوش متفاوت تکتک بچه‌ها داشت و آنها را به‌طور کافی و وافی درگیر مقوله آموزش کرد. معلم باید توانایی یادگیری بچه‌ها را درک کند. آموزش در این دوره دیگر يك آموزش عمومي نیست که هر کس به تناسب و فراخور هوش‌اش آن را بیاموزد. اگر دانش‌آموزی از آموزش جا ماند، در این دوران دیگر نمی‌توانیم به سادگی از این موضوع بگذریم و بگوییم خب دیگر جا ماند! در حال حاضر باید برای

همه نیازهای مختلف شیوه‌ها و مهارت‌های متفاوت یادگیری، راه‌حل‌های مختلف و متفاوت داشته باشیم. باید بتوانیم همه آنها را پوشش دهیم تا آن آموزش دقیق و بهتر انجام گیرد و طیف بیشتری از بچه‌ها به اهداف آموزشی‌شان برسند.

اگر تغییرات را نپذیریم چه اتفاقاتی رخ می‌دهد؟

تکرار می‌کنم که به گمانم اگر این تغییرات صورت نگیرد، قطعاً در این موضع حذف خواهیم شد. اگر نپذیریم که تغییرات را ایجاد کنیم، باید آمادگی این را هم داشته باشیم که به مرور زمان، احتمالاً در آموزش‌مان مشتری‌مان را از دست بدهیم، زیرا مطابق تغییرات پیش نرفته‌ایم. به نظرم باید همه ساختارها در این ارتباط جدید و چندسویه بازتعریف شود. ارتباط اولیا با مدرسه و دانش‌آموز و... و همه پیگیری‌ها و نوع تعامل بچه‌ها با خودشان و معلمان و مدرسه، باید چاره‌اندیشی و برای‌شان یک محیط تازه تعریف شود. همه ابزارها و شیوه‌ها هم بر همین اساس تغییر خواهد کرد. مثال ساده‌ای می‌زنم که در گذشته حضور و غیاب به صورت کاغذی انجام می‌شد اما در محیط جدید، حتی این حضور و غیاب هم به شکل دیگری است. شاید اصلاً حضور و غیابی نباید باشد و همین که دانش‌آموز در فعالیتهای مختلفی شرکت می‌کند، سیستم آن را ثبت می‌کند و این خودش سبک جدیدی از حضور و غیاب محسوب می‌شود. مثلاً در گذشته بچه‌ها کنار هم می‌نشستند و کار گروهی انجام می‌دادند، اما در حال حاضر دیگر به آن شکل گذشته نیاز نیست. کارهای گروهی شاید به بسترهای جدیدتری وارد شود و کارهای مشارکتی به گونه‌های تازه‌تری انجام شود. تمام این مسائل تغییراتی است که باید به آن فکر کرد و برایش برنامه‌ریزی دقیق و منسجم داشت. اما در مجموع باید به مرور زمان و گام به گام سراغ آن برویم و ایجادش کنیم.

تغییرات آموزشی را به ویژه در چند سال اخیر مجموعاً چگونه

ارزیابی می‌کنید؟

اتفاقی که در آموزش افتاد، اتفاق مثبتی است و می‌توان به بهترین شکل از آن بهره گرفت. تغییرات در این فضا در مقاطع مختلف فرصت‌های مختلفی هم ایجاد کرد. به عنوان مثال در دبستان آموزش به روش بازی انجام می‌شد که در مدارس هم استفاده زیادی از این روش می‌کردند و بر آن تاکید داشتند. همچنین کارهای دست‌ورزی مورد استقبال قرار می‌گرفت. اما فضای دیجیتال هم این شیوه را در دبستان ایجاد کرد. درباره سامانه LMS (نظام مدیریت یادگیری) می‌دانم که با روش‌هایی می‌شود بازی‌های تعاملی را با ابزارهایی که وجود دارد، ساخت. روش‌های

متنوع و جذابی وجود دارد که فقط کافی است يك سناریو یا طراحی‌های هنری هم به آن اضافه شود. خیلی از کارهایی که در آموزش فیزیکی وقت‌گیر بوده‌اند و شاید میشد در يك کلاس يك‌بار آن را اجرا کرد و یادگیری صرفاً يك‌بار انجام شود، در وضعیت جدید، با تولید انواع محتواها، می‌توان آن بازی‌ها را به وفور در اختیار بچه‌ها گذاشت. با سناریوهای جدید فعالیت‌ها و بازی‌های متفاوت شکل می‌گیرد که تعاملی است و دانش‌آموز خودش بیش از پیش با آن درگیر میشود. حتی دانش‌آموزی که سواد خواندن و نوشتن ندارد، میشود به کمک همین ابزارها به او سوادآموزی یاد داد و یادگیری‌اش مدیریت شود. در واقع تا حد قابل اطمینانی می‌توانم بگویم که نسل جدید چندان نیازی ندارد که همه امکانات و استفاده از ابزارها را بیاموزند. معتقدم آنها خودشان در این نوع تکنولوژی بسیار جلوتر از نسل گذشته‌اند و راحت‌تر با آن ارتباط برقرار می‌کنند. در مجموع این امکان، امکان مفیدی است. البته به نظرم در مقطع دبستان استفاده از این روش قدری متفاوت باشد، اما باز هم قابل استفاده است. روش‌ها در اول دبستان بسیار کاربردی و کمک‌کننده است. در مقاطع بالاتر هم مثل مقطع متوسطه اول که دانش‌آموزان از لحاظ علمی باید عمیق‌تر شوند و مثلاً در درس علوم، آزمایش‌هایی انجام دهند، جملگی ابزارها و امکانات مدرسان است. منابع غنی‌ای وجود دارد که دانش‌آموزان بتوانند آموزش موضوع‌های متفاوت را در قالب ویدیوهای متفاوت که در دنیا وجود دارد، ببینند. معلمان به سادگی می‌توانند به آنها دسترسی یابند و آنها را به شکل آماده در اختیار بچه‌ها قرار دهند. حتی آزمایشگاه‌های مجازی وجود دارد که بچه‌ها می‌توانند آن آزمایش را انجام دهند و ماده را کم یا زیاد و کنش‌ها و واکنش‌ها را ببینند و راحت‌تر آن را درک کنند. در واقع با این شیوه می‌توان بدون هیچ آسیب یا حتی هزینه‌ای پیش رفت و نتیجه گرفت. حتی نرم‌افزارهایی که در ریاضیات است، می‌تواند برای آموزش رسم نمودار به سادگی استفاده شود. آنچه در آموزش رسم نمودار همیشه برای ما دشوار به نظر میرسید، چگونگی رسم نمودار بود. زمانی که اشکال سه بعدی می‌خواهد در آموزش حضوری تدریس شود، کار آسانی در پیش نداریم. حتی هر قدر هم که رسم دقیق باشد، دانش‌آموزان نمی‌توانند آن را ببینند. اما در حال حاضر شما توسط نرم‌افزارها و ویدیو می‌توانید ابعاد رسم را تغییر دهید و این تغییرات را هم دانش‌آموزان به‌طور دقیق‌تر می‌بینند؛ حتی دانش‌آموز امکان این را دارد که خودش این کار را انجام دهد و درک کند که این تغییرات چگونه رخ می‌دهد. همه این اتفاقات در این حوزه انجام میشود. ER یا ارزش افزوده یکی از فضاهاى جدیدی است که دنیای متفاوتی را ایجاد می‌کند. بحث کتاب‌های

تعاملی، نرم افزارهای مختلف و حتی در اختیار دادن کلاسها و تدریس معلم به عنوان یک ویدیو برای بچه ها فراهم است. دانش آموز می تواند ویدیو را 10 بار ببیند و موضوع درس را به طور مجموع درک کند و فیلم را عقب و جلو ببرد و چندین بار واکاوی کند یا فایل صوتی را دوباره گوش کند تا دقیقا و عمیقا آن را درک کند. همچنین ارتباط یا تعامل بین دانش آموز و معلم، مانند ارسال و دریافت فایلها، تمرین و تکالیف در این فضا و بستر انجام و باعث می شود دیگر نظارتها، نظارتهای فردی باشد. می توان دریافت که دانش آموز از کجا آغاز کرده و دارد به کجا می رسد. به طور مثال برای یک دانش آموز خاص، باهوش و استعداد خاص در زمینه های مختلف، چه نوع محتوایی در اختیارش بگذاریم. در آموزشهای گذشته مسیر برای همه یکسان بود. اما اکنون برای دانش آموزان با هر مهارت خاص و تواناییهای مختلف مسیرهای متفاوتی را ایجاد کرده اند که همه به اهدافشان برسند. اما در عین حال از روشی که خودشان بهتر می توانند انجام دهند، آن را برای خودشان تشخیص می دهند.

البته آموزش حضوری و غیرحضوری هر یک به تنهایی دارای مزایایی هستند، اما در عین حال قطعا هر دو شیوه هم ایرادهایی داشته و دارند. این در حالی است که به نظر می رسد ترکیب این دو آموزش می تواند دوران جدیدی در آموزش و پرورش به وجود آورد.

اگر دست اندرکاران مدرسه های خودشان را با وضعیت جدید تطبیق ندهند، به گمانم به مرور زمان از گردونه آموزش حذف خواهند شد و دیگر مشتری آموزشی هم نخواهند داشت. در این حوزه و برهه، باید مدارس در این تغییر و دگرگونی پیشرو و فعال و ساعی باشند و خودشان را برای دوران جدید در زمینه های مختلف کاملا مجهز و آماده کنند.

آموزش در این دوره دیگر یک آموزش عمومی نیست که هر کس به تناسب و فراخور هوشاش آن را بیاموزد. اگر دانش آموزی از آموزش جا ماند، در این دوران دیگر نمیتوانیم به سادگی از این موضوع بگذریم و بگوییم خب دیگر جا ماند! در حال حاضر باید برای همه نیازهای مختلف شیوه ها و مهارتهای متفاوت یادگیری، راه حل های مختلف و متفاوت داشته باشیم. باید بتوانیم همه آنها را پوشش دهیم تا آن آموزش دقیق و بهتر انجام گیرد و طیف بیشتری از بچه ها به اهداف آموزشیشان برسند.